



پوکسور ها: امیر یآوری و دیگران

مسافرت نیست، ولی در فدراسیون ها به خصوص کشتی، مسافرت و تمام مزایای آن است.»

۸- پرچمات بالاست پرچمدار:

از المپیک رم ۱۹۶۰ تقریباً دست خالی برگشتیم. زیباترین مدالمان همان نقره‌ای آفاتختی بود که آخرین لحظه‌ها رنگاش از طلای زرد به سیمین برگشت. سه برنز دیگر البته در هالتر و کشتی به اندوخته‌ها مانده اضافه کردیم و شرمنده برگشتیم. در فرودگاه مهرآباد کسی دوست نداشت سر بلند کند و چشم تو چشم با مردمی شود که به عشق قهرماناناش این همه راه آمده بودند تا آنها را روی دست بلند کنند و دل‌داری بدهند. این تنها نقره‌ای آفاتختی نبود که از حیثیت ما دفاع کرده بود، او در رُم کار بزرگ‌تری ارائه کرد که هر وقت سلماسی یادش می‌افتاد، چشم‌هایش نم برمی‌داشت. مردی که قرار بود پرچمدار کاروان ایران در افتتاحیه باشد، ناگهان پرچم را به جعفر آقا داد و گفت «حق شماست آقای سلماسی. حق شماست.»

المپیک رم با حضور ۵۳۳۸ ورزشکار از ۸۳ کشور جهان برگزار شد و در پایان، اتحاد جماهیر شوروی با ۱۰۳ مدال، در بالای جدول رده‌بندی ایستاد. ایران در این مسابقات فقط با ۲۵ ورزشکار در رشته‌های کشتی، وزنه‌برداری، دوومیدانی، شمشیربازی و تیراندازی حضور داشت. تیم ملی کشتی آزاد ایران که یلان بسیاری در لیست خود داشت، غیر از نقره‌ای تختی، یک برنز نیز توسط ابراهیم سیف‌پور دشت کرد و شرمنده به مهرآباد بازگشت. کشتی‌فرنگی نیز در نخستین المپیک خود، یک برنز به جیب زد. فرنگی‌کاران ما در رم با چهار سهمیه وارد شدند و محمد پذیرایی در وزن ۵۲ کیلوگرم، با گرفتن مدال برنز، نخستین مدال المپیک کشتی‌فرنگی ایران را به گردن آویخت. البته کاروان جمع‌وجور ایران، یک گردن‌آویز برنز نیز در وزنه‌برداری به‌وسیله‌ی اسماعیل علم‌خواه گرفت. در تیم هالتریس‌های ما، البته اسطوره‌ای

روزها، المپیک در پایتخت ایتالیا برگزار می‌شد و به‌شدت تحت تأثیر رقابت دو ابرقدرت زمانه (آمریکا و شوروی) قرار گرفته بود.

در رم اگرچه علم‌خواه نگذاشت تیم وزنه‌برداری ما بدون مدال برگردد، اما علی صفا سنبل‌ی که برنده‌ی مدال نقره و برنز جهان بود، به علت آسیب دیدگی، هر سه حرکت‌اش را در یکضرب انداخت و حذف شد. مرحوم هنریک تمرز، کارشناس بزرگ سال‌های بعد وزنه‌برداری جهان نیز با پای مصدوم روی تخته آمد و چهاردهم شد. محمد عامی تهرانی ششم شد. امیری منگشتی، جوان نیرومند اهل مسجد سلیمان نیز دهم شد. مدال علم‌خواه در دسته‌ی ۵۶ کیلوگرم با همان خروس‌وزن بود که ۲۲ وزنه‌بردار در آن وزن ثبت نام کرده بودند. در خرداد ۱۳۳۹ اداره‌ی پست ایران به بهانه‌ی این المپیک، دو تمپر ارزشمند به افتخار رشته‌های نیزه و چوگان منتشر کرد که هرکس از آنها خرید و در کلکسیون‌اش گذاشت، عاقبت به‌خیر شد.

سه ستاره‌ی بزرگ المپیک رم، بیکبلا، رودلف و گروویچ بودند. آبه بیکبلا، ستاره‌ی بی‌پدیل دوومیدانی دنیا، دهنده‌ی پابره‌نه‌ای بود از اتیوپی که در مسابقه‌ی ماراتن بی‌توجه به حرف‌های ناشایست دیگران، تمامی رقبای را حب کرد و توی گلو انداخت و با

مراسم بزرگداشت جام تختی به ایران آمد، اعتراف کرد که تختی قهرمان و برنده‌ی واقعی مدال طلای المپیک ۱۹۶۰ رم بود.

بازی‌های المپیک رم البته داستان‌های بامزه‌ی دیگری نیز داشت که تا ابد در ذهن‌ها ماند؛ یکی درخشش و قد علم کردن محمدعلی کلی در این المپیک بود، که بعدها ابرستاره‌ی دنیای بوکس کلاسیک شد و دیگر اینکه، بازی‌های رم نخستین رقابتی بود که از طریق تلویزیون در سراسر جهان به نمایش درآمد و میلیون‌ها نفر به تماشایش نشستند. همچنین نخستین دوپینگ المپیک نیز در این بازی‌ها رخ عیان کرد و بعدها دنیای حرف‌های المپیسم را فرا گرفت. همچنین درخشندگی استادبوم صد هزار نفری المپیک رم، از دیگر جلوه‌سازیهایی بود که چشم‌بچه‌های ما را خیره کرد. پروژه‌ای عظیم که در رژیم موسلینی (۱۸۹۲) آغاز و طبقه‌ی اول آن در سال ۱۹۳۲ تکمیل شده بود. اما عملیات ساخت طبقه‌ی دوم به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم متوقف شده بود، که در ۱۷ می سال ۱۹۵۳ با برگزاری یک بازی بین تیم‌های ملی ایتالیا و مجارستان افتتاح شده بود. رم قرار بود ابتدا میزبان بازی‌های المپیک ۱۹۰۸ باشد، اما فعالیت آتشفشانی کوه وزوو در جنوب این کشور، مانع از آن شد. اینک ۵۲ سال بعد از آن

مثل جعفر سلماسی حضور داشت که سه دوره پیش از آن، در المپیک لندن (۱۹۴۸) نخستین مدال ایران در تاریخ بازی‌های المپیک را گرفته بود. او در حالی به مرحمت و جوانمردی تختی، پرچمدار کاروان ایران شد که قرار بود کسی دیگری پیش‌قراول ما در روز افتتاح باشد. جعفر آقا همیشه از بزرگی آفاتختی تعریف می‌کرد: «در روز افتتاح، رییس تربیت بدنی، پرچم ایران را برای رژه رفتن در پیشاپیش ورزشکاران ایرانی در استادبوم، به دست آقای تختی داد، ولی او به طرف من آمد و گفت که برداشتن پرچم ایران حق شماست، چون نخستین قهرمان المپیک ایران هستید. من هرچه معذرت خواستم و از آن روح ورزشی بلند و از خودگذشتگی بی‌مانند او تشکر و سپاسگزاری کردم، منصرف نشد که نشد و به ناچار خواسته‌ی او را اجابت کردم و برای رژه رفتن با پرچم ایران آماده شدم. این از خودگذشتگی، نه تنها در ایران، بلکه در ورزش جهان بی‌سابقه بود.» تختی در المپیک ۱۹۶۰ رم نیز حق‌اش طلا بود و درحالی‌که در کشتی فینال، از عصمت آتلی، کشتی‌گیر سرشناس ترکیه جلو بود، حریف ناچوانمردان‌اش با سر به صورت او کوبید و با خونین‌ومالین کردن صورت تختی، مدال طلا را از کف دست او ربود. عصمت خان، بعدها که پیر شد و برای حضور در

